ولیکن بعضی از شما هستند که ایمان نمی‌آورند. زیرا که عیسی از ابتدا می‌دانست کیانند که ایمان نمی‌آورند و کیست که او را تسلیم خواهد کرد. یوحنا 6: 60- 65 را مطالعه کنید.

اگر قرار باشد از سخنان عیسای مسیح در مورد نان حیات بودنش که در یوحنا 6: 22- 59 ثبت شده است چیزی بیاموزیم باید این باشد که هیچ تعهد نصفه و نیمه‌ای به مسیح نمی‌تواند وجود داشته باشد. از آنجا که او نان حیات است، ما باید برای زندگی ابدی به طور کامل به او و نه هیچ چیز دیگری تکیه کنیم؛ همانطور که برای حفظ بدن خود کاملاً به غذای فیزیکی متکی هستیم! ما باید ایمان داشته باشیم که فقط کسانی که با ایمان به عیسی می‌نگرند، تا به ابد زنده خواهند ماند. ما باید این را درک و به آن اعتراف کنیم که هیچ قدرتی برای اعتماد داشتن به او نداریم بلکه تنها می‌توانیم برای باز خرید شدن از گناه به فیض برگزیدگی خداوند تکیه کنیم. ما باید عیسی را به عنوان تنها راه نجات بپذیریم.

اینها کلمات رایج در عصر ما نیستند. بسیاری از مردم می‌خواهند نجات را از طریق تعهدی نصفه و نیمه به عیسی دریافت کنند. آنها به عیسای مسیح فقط به عنوان نجات دهنده باور دارند نه به ‌عنوان خداوند. بنابراین به این ایده که تنها یک راه برای نجات وجود دارد ابراز تنفر می‌کنند. آنها فکر می‌کنند که در ذات نیکو هستند و می‌توانند تصمیم‌های درستی برای نجات دادن خودشان بگیرند. متن امروز به ما نشان می‌دهد که سخنان عیسی در مورد این مسائل دو هزار سال پیش هم در میان مردم محبوبیت نداشت. بسیاری از شاگردان عیسی در «یوحنا 6: 60» غر می‌زدند که سخنان او سخت است. این بدان معنا نیست که آنها درک کردن مسیح را سخت می‌دانستند بلکه آنها فهمیده بودند که او چه ادعایی می‌کند. منظور آنها این بود که پذیرش سخنان عیسی دشوار است.

باید توجه داشته باشیم که منظور از شاگردانی که غرغر می‌کنند آن گروه کوچک از پیروان صمیمی مسیح که در بیشتر خدماتش بر روی زمین با بودند نیست. شاگردانی که در این متن به آنها اشاره می‌شود کسانی هستند که توسط سخنان و اعمال عیسای مسیح جذب او شده بودند و به عنوان بخشی از جمعیت، او را دنبال می‌کردند. آنها افرادی بودند که به نوعی به مسیح وفادار بودند اما ایمان واقعی را برای نجات یافتن نداشتند. ما این موضوع را وقتی درک می‌کنیم که به متمایز شدن آنها از دوازده شاگرد در آیه 67 برمی‌خوریم. با این وجود، عیسی در واکنش به عدم ایمان آنها پیام خود را نرم‌تر یا آسان‌تر نکرد تا آنها ایمان آورند. او آنها را تحت فشار قرار داد و اظهار داشت که اگر فکر می‌کنند که ادعای نان حیات بودنش توهین‌آمیز است، پس وقتی که او را در حال بازگشت به محل اصلی خود ببینند بیشتر آزرده خاطر خواهند شد (آیه 61-62). این آیات احتمالاً فقط به صعود مسیح به آسمان پس از رستاخیز اشاره نمی‌کند بلکه به مصلوب شدن او نیز اشاره دارد. زیرا صلیب راهی بود که بازگشت او به ملکوت ​​از طریق آن طی می‌شد. اگر کسی نمی‌توانست ایده پیروی کامل از عیسای مسیح را تحمل کند مطمئناً نمی‌توانست نجات از طریق مسیح مصلوب شده را نیز درک کند. اما غرغر شاگردان و در نهایت نپذیرفتن مسیح، برای او تعجب برانگیز نبود. زیرا او کسانی را می‌شناخت که خداوند ایمان نجات بخش را به آنها خواهد داد (آیه 63-65).

باور حقیقت خداوند برای افرادی که از نو متولد نشده‌اند سخت است؛ نه به این دلیل که به نظر آنها منطقی نمی‌آید بلکه به این خاطر که باعث ایجاد احساس رنجش نسبت به خودشان می‌شود. در واکنش به این افراد ما نیز انجیل را آسان‌تر نمی‌کنیم تا آن را برایشان قابل قبول‌تر کنیم. زیرا این کار در نهایت حقیقت را از افرادی که نیازمند شنیدنش هستند پنهان می‌کند. در عوض، ما باید انجیل را صادقانه موعظه کنیم و به خداوند اعتماد کنیم تا به برگزیدگانش ایمان را عطا کند.

## پدر آسمانی به من قوت بده تا بتوانم در مقابل افرادی که بر ضد انجیل تو هستند با دلیری ایستادگی کنم. عیسای مسیح کمکم کن تا بتوانم در انتقال کلامت به دیگران امین باشم. پدر آسمانی، لطفا قلب معلمین دروغین کلام را لمس کن و آنها را به سوی توبه حقیقی هدایت کن. آمین!

اقتباسی از لیونر مینیستری (Ligonier Ministry)